



یازدهمین نشست «عصرانه کتاب» به نقد و بررسی داستان «شهنواز» پرداخت

اگر شهنواز خوانده می‌شد اتفاق شاهچراغ رخ نمی‌داد



مهدی مردانی
فعال حوزه کتاب

یازدهمین نشست «عصرانه کتاب» با موضوع نقد و بررسی داستان «شهنواز» با حضور نویسنده کتاب دکتر رضا رسولی، استاد دانشگاه و عضو انجمن قلم ایران و دکتر محمدصادق دهنادی، منتقد، نویسنده و استاد دانشگاه به همت میز کتاب اندیشکده هنر و رسانه در مرکز مطالعات راهبردی ژرفا برگزار شد.

نقش مهمی ایفا نمی‌کند و در نهایت سیاست تشکیل امت واحد اسلامی نیز آینده روشنی ندارد. دهنادی افزود: در نهایت آرمان شهری که نویسنده کتاب می‌سازد در سامرا اتفاق می‌افتد؛ در فصل آخر کتاب. در یک شهر سنتی، بقعه‌ای از تشیع وجود دارد. اینجا به صورت سمبلیک داستان در سامرا به اتمام می‌رسد. این نشان می‌دهد ما شیعه و سنی باید یک جا جمع شویم. اگر چنین نباشد، نه حکمرانی درستی می‌توانیم روی مراکز مختلف بکنیم، نه می‌توانیم مدارای اجتماعی ایجاد کنیم و نه وحدت سیاسی شکل می‌گیرد.

شهنواز را حتی روی بیل‌بورها نیز نمی‌بینیم

وی با اشاره به این که باید مخاطب هدف کتاب را پیدا کنیم و کتاب را به دستش برسانیم، بیان کرد: ما همه باید برای آگاهی، سرمایه‌گذاری کنیم. ما باید گفت‌وگوها را بیشتر کنیم و از تمام گروه‌های مذهبی ایران آگاه باشیم. اگر شهنواز پیش از اینها خوانده می‌شد، شاید اتفاقات مجلس و شاهچراغ رخ نمی‌داد. شهنواز حتی مستعد این است که به فیلم و سریال تبدیل شود. همین‌که ما هیچ صدایی چه مخالف و چه موافق درباره کتاب نمی‌شنویم یعنی هنوز برای معرفی این کتاب، جای کار وجود دارد. ما شهنواز را حتی روی بیل‌بورها نمی‌بینیم. انگار هیچ‌کس جرأت خواندن این قصه را ندارد.

بابودجه سریال پایتخت، چند میلیون شهنواز تولید کنیم

دهنادی بیان کرد: مدیران فرهنگی ما اگر تصمیم می‌گیرند درباره وحدت شیعه و سنی کاری نکنند، این کار را با کتاب شهنواز انجام دهند. باید تکلیف روشن باشد. حضرت آقا به مسئولان فرهنگی گفته‌اند مخاطب خودتان را خلق کنید. گروه‌های جهادی کارهای زیادی کرده‌اند از جمله ساختن مدرسه، سرویس، نانواپی

و... اما باید توضیح بدهند چند آدم ساخته‌اند یا چند کتاب دست جوانان داده‌اند؟! وی در ادامه بیان کرد: امروز برنامه‌های بلندمدتی برای تغییر بافت اجتماعی از سوی کشورهایی مثل عربستان انجام می‌شود. ما با بودجه‌ای که صرف سریال پایتخت شده می‌توانستیم چند میلیون شهنواز تولید کنیم و فیلم‌ها و سریال‌های مفیدی بسازیم. من شیعه باید بدانم اهل تسنن چه گره‌هایی دارد و موضوعات و مسائلش چیست. اینها می‌شود الگوهای رواداری؛ جامعه‌ای که همه با هم در حال زندگی هستند. شهنواز یعنی آگاهی، یعنی تأیید وجود سوءتفاهم‌هایی که از گفت‌وگو نکردن شکل گرفته‌اند.

شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اهل تسنن ۱۲ امامی بود

وی گفت: شهنواز پر از ایرانیت است. فصل تحویل سال در شهنواز را که می‌خوانی هم روضه می‌شنوی و هم سنت ایران را به یاد می‌آوری. از عصر صفوی سیاستمداران برای تسکین حکومت ملی، از تشیع استفاده کرده‌اند و ایرانیت و هویت ایرانی ایجاد شده در این فرآیند، یکی از پایه‌های اصلی تشیع است و می‌تواند سنگ بنا و حلقه‌های آن زنجیره‌ای باشند که در خدمت تشیع قرار می‌گیرد. دهنادی با اشاره به تاریخ تشیع بیان کرد: تشیع ایران در سه مقطع خیلی پررنگ است. یکی آل بویه است. آل بویه به شدت نسبت به اهل تسنن رواداری می‌کنند. در دوره سربداران نیز تشیع می‌آید و در نهایت در دوره صفویان است که شیعه پررنگ می‌شود. صفویان، افرادی هستند که منتسب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی هستند، کسی که شیعه نیست. ایشان اهل تسنن ۱۲ امامی بوده‌اند. اینها در کنار تشیع ارادت، به نوعی محب هستند. ما باید توجه داشته باشیم که طیف اعتقادات یک چیز صفر و صدی نیست.



نگاه نویسنده

بارها به سیستان و بلوچستان سفر کرده‌ام



دکتر رضا رسولی
نویسنده

«شهنواز» یک رمان قهرمان محور است. قهرمان این کتاب یک جوان ساده بی‌آلایش پاکیزه‌آمیخته با آرامش و احترام است که در تلاشش برای زندگی با افرادی دلسوز آشنا می‌شود که برایش زمینه اشتغال را فراهم می‌آورند. رمان، ترکیبی از خرده روایت‌هایی متعدد با محوریت یک یا چند قهرمان اصلی است. در این اثر یک قهرمان اصلی وجود دارد و چند صدق‌قهرمان از جمله عبدالودود که به بهانه تحصیلات، قهرمان داستان را منحرف می‌کند.

شهنواز در موضع راهبردی، به دو موضوع اصلی اشاره می‌کند: «اقوام و وحدت میان قوم‌ها» و «وحدت بین برادران شیعه و سنی» که در لایه‌های مختلف به آن پرداخته می‌شود. امروزه وقتی به برخی از استان‌های مرزی که برادران تشیع و تسنن کنار یکدیگر هستند نگاه می‌کنیم، می‌بینیم ماجراهایی رخ می‌دهد که گاهی از خشم آنهاست و بخشی از توطئه‌های خارجی و القای ظلم به اهل سنت است. اقدامات شوم رسانه‌ای که نمی‌خواهند ایران را یکپارچه ببینند.

بخشی از این ماجرا، جهل است. واقعیت این است که اگر شفاف به استان‌ها نگاه کنیم، در دهه‌های مختلف، از دهه ۶۰ تا آخر دهه ۷۰، بارها به سیستان و بلوچستان سفر کرده‌ام و در این استان، فضای رشد و توسعه فراوانی دیده‌ام. اقداماتی که در این حوزه انجام شده را دیده‌ام؛ کارهایی که بخشی توسط حاکمیت و بخشی توسط گروه‌های جهادی انجام شده‌اند اما اطلاع‌رسانی درستی صورت نگرفته است.

من به عنوان نویسنده، به اندازه وسع سعی کرده‌ام، نقش خود را ایفا کنم. هم مرزی دو کشور گرفتار مانند پاکستان و افغانستان، مسائل پردامنه‌ای را برای استان‌های ما ایجاد کرده است. هرچقدر هم سازندگی انجام می‌شود شبیه این است که همه چیز در چاهی عمیق ریخته می‌شود. باید توجه داشته باشیم که ما ایرانی‌ها داریم، ایران را اداره می‌کنیم. هم خیرش و هم شرش پای ماست. ما نباید لباس‌های چرک خود را در خانه همسایه بشوییم.

در عرصه فرهنگ با محافظه‌کاری مواجه هستیم. کسی دنبال ریسک و وارد شدن به مسائل چالش‌برانگیز نیست. وقتی هم که وارد مسائل چالشی می‌شوند بهترین راه را این می‌بینند که کتاب را بایکوت کنند یا نشست برگزار نکنند و نگذارند کتاب به زابل و زاهدان برسد. سایر دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی نیز چنین موضوعی برایشان اهمیت ندارد. شجاعت و هضم‌دوراندیشی نیز مشاهده نمی‌شود.

دشمن به بلندای تاریخ اختلاف بین شیعه و سنی را القا کرده است. نان دشمنان اسلام اصیل در این بوده که بین شیعه و سنی دعوا باشد. در حالی که بسیاری از مراجع شیعی می‌گویند اهل تسنن، جان ما هستند. هر کسی هم که عقل درستی داشته باشد، می‌داند با این‌که اختلافاتی وجود دارد اما موارد مشترک فراوانی می‌توان پیدا کرد. شیعه، دغدغه اعتلای اهل تسنن را دارد و اهل تسنن هم حتما به دنبال اعتلای ایران است. ✎